

دوفصلنامه‌ی پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب
دوره چهارم، شماره دوم، زمستان ۱۴۰۱

تحلیل میهن‌دوستی و آزادی‌خواهی در اشعار احمد محرم

✽ محمد حسن نژاد^۱

چکیده

عشق به وطن و میهن‌دوستی در دوره‌ی معاصر، حوزه‌ی گسترده‌ای از تأملات شاعرانه را برانگیخته و در سروده شاعران بروز خاصی داشته است. در دوره‌ی معاصر پیرامون وطن و مسائل وابسته به پیرامون آن دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده است. مقاله‌ی حاضر به بررسی دیدگاه احمد محرم (۱۸۷۷-۱۹۴۵) شاعر معاصر مصر در مورد وطن و آزادی‌خواهی در اشعار وی می‌پردازد. با توجه به شرایط و زمینه‌های سیاسی و اجتماعی‌ای که این شاعر در آن به سر می‌برده است، میهن‌دوستی و آزادی‌خواهی در اشعار وی تراوش جدیدی به خود گرفته است. این پژوهش براساس سبک و متد تحقیق وصفی - تحلیلی داده‌های مفهوم میهن‌دوستی و آزادی‌خواهی را در چند بخش مورد بررسی قرار می‌دهد. در این راستا جلوه‌هایی چون عشق به میهن در قالب افتخار به تاریخ گذشته و اهتمام به فرهنگ و تمدن کشور و توجه به مفاخر قومی و ملی، دعوت به اتحاد و همبستگی، مخالفت با حاکمان مستبد، مقابله با استعمارگران و... در دیوان این شاعر مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: احمد محرم، میهن‌دوستی، آزادی‌خواهی، همبستگی.

^۱ دکترای تخصصی، دانشگاه فرهنگیان، mohammadhasannezhad@gmail.com

تاریخ درخواست ۱۴۰۱/۰۹/۳۰ تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۱۲/۱۲

۱- مقدمه

وطن همواره در تمامی دوران تاریخ مورد توجه انسان‌ها بوده است و در ادیان آسمانی به‌ویژه دین اسلام به آن نگاه ویژه‌ای شده است تا آنجا که در سخنان بزرگان دین نیز بر عشق‌ورزی به وطن تأکید شده است؛ اما «آنچه مسلم است این است که مفهوم وطن و وطن‌دوستی در ادوار مختلف تاریخ بشر و در فرهنگ‌های متفاوت انسانی، وضع و حال یکسانی نداشته؛ در بعضی از جوامع، شکل و مفهوم خاصی داشته و در جوامع دیگر، شکل و مفهومی دیگر؛ حتی در یک جامعه نیز در ادوار مختلف ممکن است مفهوم وطن، به تناسب هیات اجتماعی و ساختمان حکومتی و بنیادهای اقتصادی و سیاسی، تغییر کند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۲: ۱).

در مصر، در دوره‌ی معاصر، وطن مفهوم جدیدی به خود می‌گیرد. (نجاتی، ۱۳۵۱: ۳۵) مصر یکی از سرزمین‌هایی بود که به مدت سه قرن تحت سیطره امپراتوری عثمانی قرار داشت، اما این امپراتوری در اواخر قرن هجدهم به دلیل جنگ‌های داخلی و شکست‌های پیاپی از کشورهای اروپایی در اثر ضعف و انحطاط از هم پاشیده شد و بسیاری از سرزمین‌ها و مملکت‌ها خود را از دست داد. (الحصری، بی تا: ۱۹۲؛ الدسوقی، بی تا: ۱/ ۹؛ ستودارد، ۱۳۲۰: ۲/ ۲۰۵). ترکان عثمانی بسیار تلاش کردند تا با دستاویز دین اسلام، بار دیگر وطن بزرگ اسلامی را برپا سازند، آن‌ها در ابتدای امر توانستند موفق شوند میان سرزمین‌های اسلامی اتحاد برقرار کنند اما به تدریج در قرن نوزدهم بدلیل بروز مشکلاتی در دربار عثمانی و نفوذ اروپاییان و دخالت آن‌ها در سرزمین‌های اسلامی، از قدرت امپراتوری عثمانی کاسته شد. در چنین اوضاع و شرایطی بود که سلطان عبدالحمید دوم، با ارائه‌ی نظریه‌ی پان‌اسلامیسم تلاش نمود تا سرزمین‌های اسلامی را در زیر پرچم خلافت عثمانی گرد هم آورد.

مصر در قرن نوزدهم میلادی بیش از سایر سرزمین‌های عربی به بیداری ملی دست یافته بود. از عوامل مهم رشد و گسترش فکر و اندیشه بیداری ملی در مصر، نابودی سیستم فئودالی در مصر از یک‌جهت و حمله‌ی نظامی فرانسه توسط ناپلئون بناپارت بود که تأثیر بسزایی در رشد و توسعه فکری و فرهنگی مصر داشت، علاوه بر این، اولین روابط مستقیم میان سرزمین‌های عربی و اروپا در همین زمان صورت گرفت. (قاسم، ۱۹۲۳ م: ۵۱). به گونه‌ای که علما و دانشمندان مصر توانستند با دانشمندان اروپایی ارتباط برقرار کنند و به این نتیجه برسند که آن‌ها نه فقط در زمینه‌ی پیشرفت‌های علمی بلکه در بسیاری از ارزش‌های اجتماعی و مسائل سیاسی در مقابل تمدنی جدید و پیشرفته‌تر از تمدن ترکان عثمانی قرار دارند. این ارتباط، سرزمین‌های شرقی و به‌ویژه سرزمین مصر را نسبت به روابط دموکراسی حاکم بر اروپا آگاه ساخت، آن‌ها همچنین با مفهوم آزادی و برابری و مساوات که در میان ملت‌های اروپایی دیده می‌شد، آگاهی یافتند، در نتیجه نارضایتی‌ها و اعتراض‌ها نسبت به اوضاع حاکم بر جوامع شرقی شدت گرفت. (عوض، ۱۹۶۹ م: ۲۱).

بنابراین تلقی جدید شاعران از مفهوم وطن که به دنبال آن سرودن اشعار وطن دوستانه را به دنبال داشت، بعد از فروپاشی دولت عثمانی و روی کار آمدن دولت‌های وطنی و ملی رشد و گسترش یافته است. با تأثیر پذیرفتن از شرایط سیاسی و اجتماعی جدید در جامعه مصر، أحمد محرم با سروده‌های خود تلاش می‌کند تا مفهوم میهن و آزادی را در جامعه آن روز مصر به مردم معرفی کرده و از آن دفاع نماید.

۱-۱. ضرورت پژوهش، اهمیت و هدف

احمد محرم شاعر معاصر مصر، از موضوعاتی که در شعر این شاعر دیده می‌شود، میهن و آزادی است که در اشعار وی مفهوم جدیدی گرفته است، در واقع هیچ‌یک از قصاید محرم را نمی‌توان یافت که خالی از احساسات وی نسبت به وطن باشد و بر این اساس می‌توان محرم را شاعر وطن‌ناמיד. محرم تلاش می‌کند در اشعار احساس و عشق خود به وطن و سرزمینش را نمایان سازد و از آزادی این سرزمین از چنگال استعمارگران دفاع نماید. در مقاله حاضر سعی بر آن است دیدگاه‌های جدید پیرامون میهن‌دوستی و آزادی‌خواهی در شعر احمد محرم مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

۲-۱. پرسش پژوهش

این پژوهش می‌کوشد تا به پرسش‌های ذیل جواب دهد تا سرنخ بن‌مایه‌های آن روشن‌تر گردد:

- میهن‌دوستی و آزادی‌خواهی در اشعار احمد محرم چگونه نمود یافته است؟

- احمد محرم در سروده‌های خود چه مضامینی را برای نشان دادن عشق به میهن و آزادی بکار گرفته است؟

- مفهوم وطن در اشعار احمد محرم شامل چه ابعاد و مضامینی می‌شود؟

۲-۱. پیشینه‌ی پژوهش

در زمینه بررسی افکار و اندیشه‌های میهن‌دوستی در سروده شاعران، پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به کتاب «الاتجاهات الوطنیة فی الأدب المعاصر» نوشته محمد محمدحسین که در آن به گرایش‌های وطن‌دوستی در ادبیات معاصر عرب پرداخته است. همچنین مقاله «جلوه‌های وطن‌پرستی در شعر زنان فلسطینی (با تکیه بر اشعار فدوی طوقان)» نوشته عزت ملاابراهیمی نشریه زن در فرهنگ و هنر (دوره ۱، ش ۴، صص ۱۱۵-۱۳۰) که در آن به بررسی شعر معاصر فلسطین خلال یک قرن گذشته پیرامون مفهوم ملیت و وطن می‌پردازد، مقاله «بررسی تطبیقی بن‌مایه عشق به وطن در شعر پایداری فارسی و عربی» نشریه پژوهش‌های تطبیقی زبان و ادبیات ملل (ش ۱۲، تابستان ۱۳۹۷) نوشته عزت ملاابراهیمی، نرگس لرستانی و مسعود باوان پوری که در آن به بررسی وطن‌دوستی یا عشق به میهن در ادبیات فارسی و عربی پرداخته شده است. مقاله «مفهوم الوطن و تجلیات الوطنیة عند سحر خلیفه من خلال ثنائیتها: الصبار و عباد الشمس» مجله بحوث فی اللغة العربیة و آدابها (م ۳، ش ۱۰، صص ۹۷-۱۱۸) نوشته محمد صالح شریف عسگری و زهره پور باقر ولاشانی، همچنین مقاله «بررسی تطبیقی جایگاه آرمانی وطن نزد شعرای مهجر شمال و مهجر جنوب» بهارستان سخن (دوره ۹، ش ۲۳، صص ۲۳-۵۴) نوشته ناهده فوزی و منصوره شیرازی، اشاره نمود، اما مقاله یا کتابی که موضوع مورد نظر این پژوهش را مورد توجه قرار داده باشد، یافت نشد. بنابراین مقاله‌ی حاضر موضوعی جدید در این زمینه به شمار می‌آید.

۲-۱. روش پژوهش

این مقاله با در نظر گرفتن شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر مصر در دوره‌ای که احمد محرم در آن می‌زیست با روش تحلیلی - توصیفی مفاهیم و مضمون‌های میهن و آزادی در اشعار سیاسی و اجتماعی وی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. وطن‌دوستی در شعر محرم

احمد محرم در مهم‌ترین دوران سیاسی مصر و کشورهای عربی زندگی کرد. در واقع سال‌های زندگی احمد محرم سرشار از رویدادهای داخلی و ملی بود. وی در سال ۱۸۷۱ م متولد شد (قبش، د.ت: ۹۸، الجیزاوی، ۱۹۶۴ م: ۳۹۲) در

همان سال جمال‌الدین اسدآبادی وارد مصر شد و به مدت هشت سال در آنجا مردم را به اصلاح در دین و دفاع از اسلام در برابر فرهنگ غرب پرداخت. در سال ۱۸۸۱ م انقلاب العرابیه رخ داد که گام بزرگی در بیداری سیاسی مصر به شمار می‌آید؛ اما این انقلاب به شکست انجامید. دو دلیل اصلی سبب این شکست سیاسی در مصر شد: «اشغال بریتانیا و روحیه یاس و ناامیدی در میان مردم مصر بعد از اشغال» (الدسوقی، ۲۰۰۳ م: ۲/۸۲) حوادث دیگری نیز در زمان حیات احمد محرم رخ داد که از آن جمله می‌توان به: قیام مصطفی کامل، حادثه دنشوی، جنگ جهانی اول، جنگ داخلی احزاب و پیمان ۱۹۳۶ م و... اشاره کرد. (الزیات، ۲۰۰۵: ۳۰۹ و کحاله، ۱۹۷۵ م: ۲/۵۷).

احمد محرم در تمام سروده‌های خود به میهن خود عشق ورزیده است. این شاعر تمام سروده‌های خود در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی را باهدف بهبودی اوضاع و شرایط نابسامان جامعه همچون فقر، عقب‌ماندگی، بی‌عدالتی و مبارزه با اقدامات استعماری بیگانگان، استبداد و خفقان سیاسی داخلی و گسترش و اعتلای فرهنگ عمومی بکار گرفته است. با بررسی دیوان شعر این شاعر مضامین و درون‌مایه‌های فراوانی در زمینه‌ی وطن‌دوستی و آزادی‌خواهی بدست می‌آید که می‌توان این موارد را در قالب عناوین زیر مورد تحلیل و بررسی قرار داد؛

ذکر مفاخر قومی و ملی برای ترغیب و تشویق مردم به پیشرفت و آبادانی جامعه و مقابله با غرب‌زدگی، توجه به مظلومین جامعه و حمایت از آن‌ها، مخالفت با حاکمان مستبد و وابستگی به بیگانگان، ایستادگی در برابر استعمارگران و مبارزه با سیاست‌های استعماری غرب، دعوت به اتحاد و همبستگی برای آزادی وطن؛ که در ادامه به بررسی این موارد همراه با توضیحات لازم می‌پردازیم .

۱-۲. ذکر مفاخر قومی و ملی

یکی از مفاهیم و درون‌مایه‌های وطن‌دوستی در شعر احمد محرم، ذکر مفاخر قومی و ملی است. احمد محرم با ذکر مفاخر قومی و ملی و بهره‌گیری از حس وطن‌دوستی و تحریک عواطف ملی هم‌میهنان خود تلاش نمود تا جامعه را در جهت پیشرفت و تعالی سوق دهد.

احمد محرم به گذشته درخشان قوم عرب، به‌ویژه دوره‌ی عباسی، اشاره می‌کند و عریبت را به یاد می‌آورد و از آن به‌عنوان عاملی برای اتحاد ملت عرب و تلاش برای بهبود اوضاع کنونی کشور مصر و ساختن آینده‌ای بهتر یاد می‌کند. همچنین احمد محرم از نمادهای تاریخی کشور مصر غافل نمی‌ماند و از رود نیل که همواره شریان زندگی و حیات ملت مصر بوده به بزرگی و عظمت یاد می‌کند تا بدین وسیله شکوه و عظمت ملت مصر را یادآور شده و عواطف ملی را تحریک نماید.

احمد محرم در جامعه آن روز مصر با مشکلاتی چون عقب‌افتادگی و فقر فرهنگی ملت مواجه بود. وی از عزت و افتخارات گذشته‌ی ملت عرب یاد می‌کند و از آن به‌عنوان عاملی جهت تحریک عواطف و احساسات ملی گرایانه مردم برای پیشرفت و ساختن آینده‌ی کشور بهره می‌برد. وی به‌ویژه از شکوه و عظمت دوره‌ی عباسی یاد می‌کند و بر آن است تا با یادآوری آن دوره، ملت مصر را به ایستادگی و استقامت دعوت نماید؛

أینَ الرَّشیدِ وَأَیَّامٍ لَهُ سَلَفَتْ؟ أینَ الحُمَاهُ؟ وَأینَ الفِئِیَةُ النَّجَبُ؟

(محرم، ۱۹۸۴: ۳۵۸/۱)

ترجمه: هارون‌الرشید و ایام (باشکوه) گذشته‌اش کجاست؟ حامیان و جوانان نجیب (او) کجایند.

احمد محرم بر عزت و سربلندی ازدست‌رفته‌ی گذشتگان افسوس می‌خورد و همواره تلاش می‌کند تا شاید آن میراث بربادرفته‌ی گذشتگان و تلاش‌های پدران گذشته در برپایی کاخ عزت و سربلندی باز هم به ملت بازگردد، این در حالی است که فرزندان این ملت و وارثان این عزت و ارجمندی، آنرا ویران ساخته‌اند. محرم گذشته‌ی باشکوه مسلمانان را بمانند باغی زیبا می‌داند که جان‌ها به‌سوی آن اشتیاق می‌یابد اما نسل حاضر تمام آن ارزش‌ها و حرمت‌ها را زیر پا گذاشته و آنرا به دست سختی‌ها و گرفتاری‌ها سپرده‌اند؛

هُم غَادِرُوهَ كَرُوضٍ اَرِيضٍ تَتَوَقُّ النُّفُوسُ اِلَى نَضْرَتِه
وَ نَحْنُ تُرْكَنَاهُ لِلْعَادِيَاتِ وَ لَمْ نَرَعْ مَا ضَاعَ مِنْ حُرْمَتِه

(محرم، ۱۹۸۴: ۱/۷۱).

-آن‌ها عزت و سربلندی را همانند باغی زیبا که جان‌ها مشتاق لطافت آن است از خود به‌جای گذاشتند .
-درحالی‌که ما آن را به حوادث سخت سپردیم و حرمت آن را نگه نداشتیم .
محرم دلیل ذلت و خواری و عقب‌ماندگی و از دست رفتن میراث گذشتگان را ضعف اراده‌ها و تسلیم شدن در برابر رؤیاهای دروغین و فرورفتن در خواب غفلت می‌داند، این همان عامل اساسی عقب‌ماندگی ملت است، غفلت ورزیدن از دشمنانی که همواره بیدار و هوشیار هستند و خواهان به استعمار کشیدن ملت‌های ضعیف می‌باشند؛

يَا بَنِي الشَّرْقِ اَفِيْقُوا اِنَّمَا خَدَعْتَكُمْ كَاذِبَاتُ الخُلَمِ
اِنْ مِنْ شَرِّ الْبَلَايَا نَوْمُكُمْ عَنِ عَدُوِّ سَاهِرٍ لَمْ تَنْمِ

-ای فرزندان شرق بیدار شوید؛ که رؤیاهای دروغین شما را فریفته است .

-خواب شما از بدترین بلاهاست. بلای دشمنی که همواره بیدار است و نمی‌خوابد.

(همان، ص ۱۲۴)

بدتر از درد خواب و غفلت ملت‌ها، درد کسانی است که تلاش می‌کنند تا عزت و سربلندی ملت خود را نابود کنند و درواقع با دستان خود تیشه به ریشه‌ی هویت و میراث ملت خود می‌زنند، محرم در برابر این اقدام به‌شدت خشمگین می‌شود چراکه دستانی آشنا را می‌بیند که برای ویران ساختن بنای عزت و سربلندی و ارجمندی به ارث رسیده از گذشتگان تلاش می‌کنند و احدی یافت نمی‌شود تا از این عزت و ارجمندی محافظت نماید؛

يَا بَنِي الشَّرْقِ لِمَجْدٍ ضَائِعٍ مَنْ بَكَى ضَيْعَتَهُ لَمْ يُلَمِ
كَانَ مِنْ قَبْلِ مَنِيْعًا صَرْحُهُ مُشْمَخِرًا فَوْقَ هَامِ الْاَنْجُمِ

(همان)

_ای فرزندان شرق به داد عزت و سربلندی گمشده (ملت) برسید. کسی که بر گمشده‌اش بگرید، سرزنش نمی‌شود .
-عزت و سربلندی (این ملت) پیش‌ازاین همچون کاخی محکم و دست‌نایافتنی بود و جایگاهش سربلندتر از ستارگان بود.

محرم با یادآوری عربیت به‌عنوان عاملی قومی برای تقویت اراده‌ی هم‌وطنان و ساختن آینده‌ی کشور بهره می‌برد؛ البته از دیدگاه محرم دعوت به عربیت باید در سایه‌ی وحدت اسلامی باشد، «از دیدگاه او دعوت به عربیت که با اعلام

نبرد علیه اسلام همراه باشد، دعوتی غیرشرعی است و بدون شک طرفداران این دعوت، به دشمنان اسلام یاری رسانده‌اند» (لیب رزق، ۱۹۸۴ م: ۱۹۴)؛

ضُمِّي الْقَوَى، وَتَجَمَّعِي فِي وَحْدَةٍ عَرَبِيَّةٌ تَحْمِي اللّوَاءَ وَتَحْتَمِي
هَذَا السَّبِيلُ لِكُلِّ شَعْبٍ مَّاجِدٍ عَالِي اللّوَاءِ، إِلَيَّ الْعَرَبِيَّةُ يَنْتَمِي

(محرم، ۹۲۰/۲)

-عزمتان را جزم کنید و با یک اتحاد عربی گرد هم آید و از بیرق (سرزمین) دفاع کنید تا در امان بماند.

-این مسیر هر ملت با عزت و سربلندی است که به اصل و ریشه عربی بازمی‌گردد .

محرم از نمادهای تاریخی و ملی کشور همچون رود نیل یاد می‌کند تا عظمت تاریخ گذشته‌ی کشور را در دل و جان هم‌وطنانش زنده کند تا آنجا که وی بخش اول دیوان خود را به رود نیل تقدیم می‌کند. وی همچنین قصیده‌ای را تحت عنوان «الی النيل» می‌سراید و در آن، رود نیل را مایه‌ی امید و زندگی می‌داند که حکم سرور و پدر ملت مصر را دارد. رود نیل بهترین دوست و همراه وفادار است و این همان رودی است که شایسته‌ی بهترین اشعار است و با آن شرق و غرب به شکوه و بالندگی دست می‌یابد؛

فِيَا نَيْلُ أَنْتَ الْمُنَى وَالْحَيَاةُ وَأَنْتَ الْأَمِيرُ وَأَنْتَ الْأَبُ
وَيَا نَيْلُ أَنْتَ الصَّدِيقُ الْوَفِيُّ وَأَنْتَ الْأَخُ الْأَصْدَقُ الْأَطِيبُ
وَأَنْتَ الْقَرِيبُ الَّذِي أَقْتَنِي فَيَزْهِي بِهِ الشَّرْقُ وَالْمَغْرِبُ

(محرم، ۱/۱۱۶ به بعد)

-ای نیل! تو امید و زندگی و تو سرور و پدر (این سرزمین) هستی.

-ای نیل! تو دوست وفادار و برادر راستین و پاک‌طینت هستی.

-تو آن سروده‌ای هستی که برایش قافیه می‌سازم و با آن شرق و غرب پر نور می‌شود و می‌درخشد .

۲-۲. مخالفت با استبداد داخلی

از دیگر موضوعات وطن‌خواهی و میهن‌دوستی، دفاع از وطن در برابر حاکمان دست‌نشانده‌ی مستبد و فاسد و مخالفت با استبداد است. محرم استبداد داخلی را که موجب خفقان و سلب آزادی مردم کشورش شده بود، برنمی‌تابید. محرم به دلیل عشقی که به وطن خود می‌ورزید همواره برای بهبود شرایط سیاسی میهنش تلاش می‌کرد، از این رو سعی نمود همیشه بر رابطه‌ی خود با حاکمان مصر تداوم بخشد. محرم در آغاز با خدیو عباس حاکم مصر، روابط حسنه‌ای برقرار نمود، چراکه «خدیو عباس» را چهره‌ای ملی و وطن‌خواه می‌دانست که مورد تأیید ملت مصر است. (عوض، ۱۹۶۹ م: ۲۰۱) احمد محرم در یکی از سروده‌های خود، خدیو عباس را پند و اندرز می‌دهد و از او می‌خواهد که در تاریخ گذشتگان بنگرد و آنرا مایه‌ی عبرت قرار دهد؛

سَلِ التَّارِيخَ وَانظُرْ مَا أَعْدَتْ لَكَ الْأُمَمُ الْخَوَالِي وَالْقُرُونُ
عِظَاتُ الدَّهْرِ وَالْأَجْيَالُ مِنْهَا بِنِعْدَادٍ وَأَنْدَلَسَ فُنُونُ

(محرم، ۱/۱۵۶)

-از تاریخ جو یا شو و به عبرت‌هایی که ملت‌ها و نسل‌های گذشته برای تو فراهم کرده نیک بنگر!

-پندهای روزگار و نسل‌های آن در بغداد و اندلس .

سپس به او یادآور می‌شود که مردم پیرو دین پادشاهان خود هستند و با صلاح پادشاهان به راه صلاح و درستی درمی‌آیند. محرم از خدیو عباس می‌خواهد تا به فکر ملت مصر باشد و روحیه‌ی اعتمادبه‌نفس را به ملت بازگرداند و این ملت را از بیماری شرق که همان جهل و نادانی است دور سازد و آن‌ها را در مسیر درستی و راستی قرار دهد تا بتوانند بر هواها و خواسته‌های نفسانی خود غلبه کنند؛

رَأَيْتُ الشَّعْبَ وَالْأَمْثَالَ جَمًّا عَلَيَّ مَا كَانَ مَالِكُهُ يَكُونُ
 إِذَا عَوَتْ الْهُدَاةُ فَلَا رَشِيدُ وَإِنْ خَانَ الرَّعَاءُ فَلَا أَمِينُ
 وَأَعْجَبَ مَا أَرَى شَعْبَ نَحِيفٍ يَسُوسُ قَطِيعَهُ رَاعٍ يَدِينُ
 أَضَاعَ الشَّرْقَ أَهْلُوهُ وَأَوْدَى بِهِ مِنْ جَهْلِهِمْ دَاءٌ ذَفِينُ

(همان)

-ضرب‌المثل‌های بسیاری پیرامون ملت‌ها دیده‌ام که آن‌ها بر راه و روش مالکان و پادشاهان خود هستند.
 -اگر رهبران و هدایت‌گران راه گمراهی را در پیش گیرند پس هدایتگری باقی نمی‌ماند و اگر رهبر ملتی به مردم خیانت کند پس امانت‌داری بر جای نمی‌ماند.

-و شکفت آنکه ملت ضعیف و ناتوانی را می‌بینم که گله‌های آن‌را رهبری چاق و فربه نگهداری می‌کند.
 اما طولی نکشید که «خدیو عباس» از موضع وطن‌خواهی و میهن‌دوستی خود عقب‌نشینی کرد و از ملت خود رویگردان شد و به آن‌ها پشت کرد، درواقع صندلی قدرت او را از ادامه‌ی مبارزه با استعمارگران بازداشت. درنتیجه خدیو عباس از یاری هم‌وطنان خود شانه خالی کرد و سرنوشت خود و ملت مصر را به استعمارگران سپرد و گوش‌به‌فرمان آنان شد؛ در سال ۱۹۰۹ م «خدیو عباس» به آزادی مطبوعات پایان داد و به جنگ جنبش ملی پرداخت. (الدسوقی، ۲۰۰۳ م: ۷۲/۲). محرم در رویارویی با این تغییر شرایط و رویگردان شدن خدیو عباس به شدت خشمگین می‌شود و او را به شدت موردانتقاد قرار می‌دهد و او را خائن به ملت معرفی می‌کند، این اولین رویارویی محرم با حاکمان دست‌نشانده و مستبد بود؛

مَاذَا بَدَأَ لَكَ فَاعْتَرَلَتْ صُفُوفَنَا أَفَأَصْبَحَتْ حَرْبَ الْغَزَاةِ سَلَامًا؟
 أَتَخُونُ مِصْرَ وَمَا تَحْوَلُ نَيْلَهَا سُمًّا وَمَا انْقَلَبَ الضِّيَاءُ ظَلَامًا؟
 أَيَسُوسُ رَيْبَ الدَّهْرِ مِنْ أُمَّةٍ تَبْغِي حَيَاةَ الْمَجْدِ أَمْ أَنْعَامًا؟

(محرم، ۱۹۸۴: ۱/۱۳۱)

-چه چیز بر تو نمایان شد که از صف ما کناره‌گیری کردی؛ آیا جنگ و نبرد سربازان را صلح پنداشتی؟
 -آیا به مصر خیانت می‌کنی، چه چیز آب نیل را زهر آگین نموده و روشنایی آنرا به تاریکی تبدیل کرده است؟
 -آیا مصیبت‌ها و گرفتاری‌های روزگار، ملتی را هدایت می‌کند که خواهان زندگی ارجمند هستند یا زندگی همچون زندگی چهارپایان؟ (مصیبت‌ها و سختی‌های روزگار سزاوار ملتی است که به زندگی چهارپایان خشنودند).
 محرم از ظلم و ستم حاکمان مستبد سخن به میان می‌آورد و آن‌ها را به شدت مورد سرزنش قرار می‌دهد، وی معتقد است تنها حاکمانی که با عدل و انصاف با مردم رفتار می‌کنند، شایستگی حکومت کردن را دارند؛

رَأَيْتُ مُلُوكَ النَّاسِ لَا يُنصِفُونَهُمْ وَ خَيْرُ الْمُلُوكِ الْمُنصِفُ الْمُتَرَفِّقُ
يُقِيمُونَ صِرْحَ الظُّلْمِ فِي كُلِّ أُمَّةٍ إِذَا مَلَكَوْا وَالْعَدْلُ بِالْمَلِكِ أَخْلَقُ

(همان، ۱/۴۴۲)

-پادشاهان را دیدم که در حق مردمشان انصاف روا نمی‌دارند. بهترین پادشاهان، پادشاهان با انصاف و سهل‌گیر هستند.

-آن‌ها هنگامی که به پادشاهی می‌رسند کاخ ظلم و ستم را در هر ملتی برافراشته می‌سازند درحالی که در پادشاهی عدالت کردن شایسته‌تر است.

محرم، معضل و بیماری شرق را در حاکمان و سیاست‌مدارانش می‌داند که به گسترش جهل و نادانی در سرزمینشان روی آورده‌اند و بنیان اسلام را با این اقدامات ویران ساخته‌اند. وی حاکمان و سیاستمداران شرق را مانع اصلی تشکیل جامعه‌ی اسلامی می‌داند، وی در این باره چنین می‌سراید:

الشَّرْقُ يَعْلَمُ أَنَّ مُعْضَلَ دَائِهِ مِنْ صُنْعِ سَادَتِهِ، وَمِنْ حُكَامِهِ
نَشَرُوا لَوَاءَ الْجَهْلِ بَيْنَ شُعُوبِهِ وَقَفَّضُوا بَعِيرَ الْحَقِّ فِي أَقْوَامِهِ
هَدَمُوا مِنَ الْإِسْلَامِ رُكْنَآ عَالِيآ نَهَضَ النَّبِيُّ وَأَلَّهُ بِمَقَامِهِ

(همان: ص ۴۹۲)

-شرق می‌داند که مشکل و دردش ساخته دست بزرگان و حاکمانش است.

-بیرق جهل و نادانی را میان مردم برافراختند و به‌ناحق در میان اقوام به داوری پرداختند.

-از اسلام رکن و اصل والایی را نابود کردند. رُکنی که پیامبر و خاندانش برفراز آن ایستادند.

۳-۲. مبارزه با استعمارگران و ایستادگی در برابر آن‌ها

از دیگر محورهای مورد توجه در اشعار محرم موضوع وطن‌خواهی، مبارزه با استعمارگران و ایستادگی در برابر آن‌هاست. احمد محرم در این زمینه سروده‌هایی سیاسی و وطنی دارد و این مسئله را مورد توجه قرار داده است. در این دوره کشورهای استعمارگر و به‌ویژه انگلستان سلطه‌ی استعماری خود بر سرزمین‌های شرقی را گسترش می‌دادند و هدف آن‌ها به‌زانو درآوردن ملت‌ها و به استعمار کشیدن این سرزمین‌ها بود. محرم که در تمامی مسائل سیاسی و اجتماعی کشور خود مشارکت داشته و نسبت به سرنوشت هم‌میهنان خود احساس مسئولیت کرده است، در رویارویی با استعمار تلاش نمود تا با آگاهی بخشیدن به ملت خود، آن‌ها را به قیام علیه استعمارگران و دولت‌های دست‌نشانده‌ی آن‌ها دعوت نماید. (السید، بی تا: ۲۲۵)

در مصر وضعیت بگونه‌ای بود که بسیاری از مسئولان و سیاستمداران عالی‌رتبه با استعمارگران دست‌سازش داده بودند، اما با این حال هنوز ادبا و شاعرانی بودند که برای رهایی کشور خود از چنگال استعمار، با دولت‌های دست‌نشانده، مبارزه می‌کردند. (باشا، بی تا: ۱۳۵) احمد محرم از جمله این شاعران متعهد است که هرگز در برابر انگلیس و سیاست‌های استعماری‌اش آرام نگرفت و با شرایط استعماری که انگلیس برای ملت مصر رقم زده بود، کنار نیامد و سازش نکرد، محرم همواره با اشعارش انگلیس را مورد هجوم قرار می‌داد و سیاست‌هایش را محکوم می‌کرد؛ وی توانست روحیه‌ی وطن‌خواهی و مبارزه‌طلبی و آزادی‌خواهی را در میان فرزندان مصر برانگیزد.

محرم بر دعوت خود به آزادی و استقلال‌طلبی ادامه داد و اگر دیگر ادبای مصر دچار ضعف و سستی شدند و به اشغالگران دست یاری دادند اما او هرگز از مواضع خود عقب‌نشینی نکرد، محرم در مبارزه با استعمارگران و اشغالگران خود را از حزب‌الله می‌داند، این حزب حق‌گرا که از دیرباز بر پیمان‌شکنان یورش برده است؛ محرم و هواخواهان این ملت با این حزب پیمان بسته‌اند و در این راه از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌هراسند و با دست و زبان خود از میهن و مام وطن دفاع می‌کنند؛

نحنُ حزبُ الله صُنَّا حَقَّهُ وَحَفِظْنَا حَقَّهُ فِي النَّاكِثِينَ
نحنُ بايعناه مُدَّ كُنَّا عَلِي نُصْرَةَ الْحَقِّ وَكُنَّا فَاعِلِينَ
إِنْ غَضِبْنَا أَوْ رَضِينَا فَلَهُ لَا تُبَالِي تُرْهَاتِ الْمُرْجِفِينَ
نَحْمَلُ الْأَقْلَامَ غُرًّا وَكُنَّا صُحُفَ الْأَبْرَارِ بَيْنَ الْكَاثِبِينَ

(محرم، ۱۹۸۴: ۱/۴۲۱)

-ما حزب‌الله هستیم که از حق آن حفاظت کردیم و از حق آن در برابر پیمان‌شکنان دفاع کردیم.
-ما از آن زمان که به یاری حق برخاستیم با آن بیعت کردیم و به آنچه پیمان بسته بودیم و با بیعتی که بسته بودیم، عمل کردیم.
-اگر خشمگین شویم یا خشنود، تنها برای اوست؛ و در این راه از دشمنی دشمنان و یاوه‌گویی دشمنان یاوه‌گو هراسی به دل راه نمی‌دهیم.

-قلم‌ها را حمل می‌کنیم درحالی که درخشان است؛ و نامه‌ی پاکان و نیکان، در میان کاتبان، از آن ماست .
احمد محرم در برابر اشغال مصر توسط انگلیس با تمام وجود ایستادگی می‌کند و از اینکه این اشغال از سوی انگلیس توانسته است به اهداف خود دست یابد، بشدت خشم می‌گیرد و از عمق وجود خود فریاد برمی‌آورد تا ملت خود را از این مکر و نیرنگ انگلیس آگاه سازد، در بسیاری از قصاید محرم این فریادها شنیده می‌شود، وی در قصیده‌ای تحت عنوان «الرابع من ديسمبر» از اوضاع نابسامان روزگار اشغال مصر توسط انگلیس اعلام نارضایتی می‌کند و از آن به‌عنوان روز شوم تعبیر می‌نماید؛

نَلُومُكَ يَا يَوْمَ النَّحْسِ وَنَعْدُلُ وَأَنْتَ عَلِي مَا أَنْتَ تَمْضِي وَتَقْبَلُ

(همان، ۱/۴۵۳)

-تو را ای روز شوم سرزنش می‌کنیم و از تو رویگردان می‌شویم و تو بر آنچه هستی می‌آیی و می‌روی. (و تو بر شومی خود همواره در حال گذران هستی).

احمد محرم سیاستمدارانی را که با استعمارگران مدارا می‌کنند، موردانتقاد قرار می‌دهد، سیاستمدارانی که مسؤولیت‌های مهمی را عهده‌دار هستند و ملت خود را تنها برای جلب رضایت و خشنودی بیگانگان به ذلت و خواری کشیده‌اند.

در این میان برخی از فریب‌خوردگان، دفاع از میهن و حفظ کرامت و اقتدار ملت را ننگ و عار می‌دانند و این حمیت و دفاع از وطن را تعصّب به شمار می‌آورند، اما محرم دفاع و حمایت از میهن در برابر استعمارگران و بیگانگان را مروت و مردانگی به شمار می‌آورد؛

ليسَ التَّعَصُّبُ لِلرِّجَالِ مَعْرَةً إِنَّ الْكَرِيمَ لِقَوْمِهِ يَتَعَصَّبُ
عَوْدٌ بِنَيْكَ الْخَيْرِ إِنَّ نَفْسَهُمْ صَحْفٌ بِمَا شَادَتْ يَمِينُكَ تَكْتَبُ

(همان، ۱/۳۲۷)

-تعصّب برای مردان مایه‌ی ننگ و عار نیست چرا که این انسان گران‌مایه است که بر قوم خود تعصّب می‌ورزد .
-فرزندان خود را به انجام کار نیک عادت بده! چرا که روح و جان آن‌ها به‌مانند صفحات کتابی است که با اشاره
دستان تو نوشته می‌شوند؛

در حادثه روستای «دنشوای» که به کشتار بی‌رحمانه روستاییان توسط استعمارگران انگلیسی انجامید، از میان
شاعران مصری، احمد محرم بود که برخلاف شاعران هم‌دوره‌ی خود، شعر خود را در جهت دفاع از اهالی روستای
«دنشوای» به خدمت می‌گیرد و در مقابل استعمار استعمارگران که به خاک سرزمین مصر تجاوز و تعدی کرده‌اند،
می‌ایستد و از حقوق ازدست‌رفته‌ی مردم کشورش شجاعانه دفاع می‌کند، وی بر تلاش و ایستادگی مردم تا
بازپس‌گیری دوباره‌ی خاک وطن تأکید می‌کند. (الجیوشی، د.ت: ص ۱۵۳)

محرم با دو قصیده، انگلیس و سیاستش را مورد هجوم قرار می‌دهد، یک قصیده که محرم آنرا در همان روزی
که حکم دادگاه به اجرا در آمد یعنی ۲۸ ژوئن سرود، وی این قصیده را با بیان تصاویری از آثار دردناکی که از
حادثه‌ی دنشوای بر جان‌ودل ملت ستم‌دیده بر جای مانده است آغاز می‌کند و توحش استعمارگران انگلیسی را که از
اعمال خود سرمست هستند و ارزش‌های انسانی را زیر پا گذاشته‌اند ترسیم می‌کند، آن‌ها که در برابر دردهای جانکاه
یتیمان و بیوه‌زنان و کشتار مردان بی‌گناه و به دار آویختن آن‌ها ابراز شادی می‌کنند؛

أَتَلَكِ مَصَارِعُ الْمُسْتَضْعِفِينَا؟ فَمَا بَالُ الْهَدَاءِ الْمَصْلِحِينَا؟
أَجِيبِي دَنْشَوَايَ فَإِنَّ تَكُونِي عَيْتٌ عَنِ الْجَوَابِ فَمَا عَيْنَا
هَمُّ أَخْذُوكِ بِالنَّكِبَاتِ حَرَى وَبِالْأَهْوَالِ شَتَّى يِرْتَمِينَا
تَذَوِّقِينَ الْعَذَابَ وَهَمَّ نَشَاوِي يَغْنُونُ الْمَشَانِقَ نَاعَمِينَا
تَطُوفُ بِهَا الْأَرَامِلُ وَالْيَتَامَى تَضْحُجُّ وَتَذْرِفُ الدَّمْعَ السَّخِينَا

(محرم، ۱۹۸۴: ص ۹۷-۹۹)

-آیا این قتلگاه مردم مستضعف است؟ پس رهبران مصلح را چه شده است؟ (که سکوت اختیار کرده‌اند)
-ای دنشوای پاسخ بده! و اگر از پاسخ گفتن زبانت بند آمده است، پس بدان زبان ما بند نیامده است .
-آن‌ها (رهبران مصلح) تو را به ذلت و خواری کشانده‌اند و تو را دچار این بلاها و مصیبت‌ها کرده‌اند .
-طعم عذاب را می‌چشی حال آنکه آن‌ها سرمست هستند و با خیالی آسوده، سرود به دار آویختن را بر لب دارند .
-زنان بیوه و کودکان یتیم در آن آواره‌اند و ناله سر می‌دهند و اشک سوزان از دیدگان‌شان سرازیر است .
محرم به استعمارگران انگلیسی اعلام نبرد می‌کند و اعلام می‌دارد که ملت مصر هرگز در برابر آنان تسلیم نخواهد
شد و به مبارزه‌ی خود تا رهایی ملت از چنگال استعمار ادامه خواهند داد. وی ادعای آنان مبنی بر ترک خاک مصر را
دروغ می‌داند چرا که ملت مصر سالهاست که دربند استعمار اسیرند؛

بنی التامیز، کونوا کیف شتتم فلن ندعَ الكفاحَ و لن نلینا
 خذوا أنصارکم إنا نراهم لنا و لقومنا الداءَ الدفینا
 همُ الأعداءُ لنا من ذویهم ولسوا فید الشدائد من ذوینا
 ذمنا عهدکم فمتی نراکم تشدون الرّحالَ مودّعینا
 زعمتم أن موعدکم قریبٌ کذبتم أمةً تُحصی السنینا

(همان)

-ای فرزندان رودخانه‌ی تایمز! (ای استعمارگران انگلیسی) هرگونه می‌خواهید رفتار کنید، ما دست از مبارزه خود بر نخواهیم داشت و هرگز از خود نرمش نشان نخواهیم داد.

-دوستان و یاوران خود را با خود ببرید، چراکه ما آن‌ها را برای خود و ملت‌مان همچون درد مزمنی می‌دانیم.
 -آن‌ها دشمنان ما هستند و ما از آن‌ها نیستیم و آن‌ها هم به هنگام سختی‌ها از ما نیستند و در کنار ما قرار نمی‌گیرند.
 -به عهد و پیمانمان با شما وفا کردیم پس کی شما را خواهیم یافت که اسباب سفر خود را می‌بندید و با ما وداع می‌کنید.
 -وانمود کردید زمان رفتن نزدیک است، به ملتی که سال‌های بسیاری را می‌شمارند، دروغ گفتید!

محرم در جای دیگر در مقابل قانون مطبوعات که انگلیس آنرا تصویب کرد موضع شدیدی می‌گیرد، قانونی که استعمارگران از آن به‌عنوان ابزاری برای ترور و شکنجه رهبران حزب ملی بکار بستند تا آنجا که زندان از وجود آن‌ها پر شد؛ بسیاری از روزنامه‌های ملی تعطیل و امتیاز از آن‌ها سلب شد، محرم در رویارویی با این قانون و تعداد بیشمار بازداشتگان حزب ملی، علیه انگلیس می‌شورد و با لحنی استهزاء آمیز و با سخنانی گزنده استعمارگران را به سخره می‌گیرد؛

صبّوا المدادَ وَ حطّموا الأقالما و اطووا الصحائفَ و انزعوا الأفهاما
 و خذوا علی الوجدانِ کلّ ثنیةٍ و اقضوا الحیاءَ مُزملینَ نیاما
 غضوا العیونَ وَ طأطئوا هامتکم و ارضوا مقامَ المُستمتتِ مُقاما
 ودعوا الحقیقةَ و اغدروا بعهوده شعباً یری حفظَ العهودِ حراما
 یا مصر، ماذا تطلیبن؟ أما کفی أن تصبّحی للعاداتِ طعاما؟
 موتی فما موتُ العلیلِ بضائرٍ و کفی بآلامِ الحیاءِ حِماما؟

(محرم، ۱۹۸۴: ۱/۴۷)

-مدادها را در هم بشکنید و روزنامه‌ها را در هم بیچید و فهم و تعقل را از مردم بگیرید.
 -بر وجدان خود تا می‌توانید پيله بتنید و درحالی که شمشیرتان آخته است، به زندگی پایان دهید.
 -چشم‌ها را فروبندید و سرافکنده باشید و به جایگاه مرگ تن دردهید و خشنود باشید.
 -با حقیقت وداع کنید و به عهد و پیمان خود وفا نکنید، ملتی که وفای به عهد و پیمان را حرام می‌داند.
 -ای مصر در پی چه هستی؟! آیا همین تو را بس نیست که هر شبانه‌روز برای وعده‌های غذایی خود، طعامی داشته باشی؟!
 -خود را به مرگ بسپار! چراکه مرگ انسان ناتوان سودمند است و برای دردهای زندگی مرگ و نیستی کافی است!

در آن زمان که سیاستمداران مصر با بیگانگان دست سازش داده بودند و تعدادی از شاعران و ادبای مصری از راه و روش آن‌ها پیروی می‌کردند؛ اما احمد محرم هرگز عزم و اراده‌اش به سستی نگرایید و در برابر خواسته‌های کشور انگلیس تسلیم نشد.

وی همواره با قصاید شعر خود انگلیس و سیاست‌های خصمانه‌اش را محکوم می‌کرد و مردم را به مقابله با استعمارگران فرامی‌خواند، وی به این دعوت خود ادامه می‌دهد و حمیت و مردانگی را در میان ملت مصر برمی‌انگیزد و آن‌ها را به جهاد و مقابله با دشمنان فرامی‌خواند و از آن‌ها می‌خواهد که به یاری و نصرت خداوند ایمان داشته باشند، چراکه جهاد آنان مقدس است، جهادی که در راه دفاع از عقیده و حفظ آرمان‌های ملت و حفاظت از مصر است، مصری که همواره خاستگاه اسلام بوده است.

۴-۲. دعوت به اتحاد و همبستگی برای آزادی وطن

از جمله محورهایی که در شعر محرم مورد توجه قرار گرفته است موضوع وطن‌خواهی، دعوت به اتحاد و همبستگی برای آزادی وطن است که شاعر در این زمینه سروده‌هایی سیاسی و وطنی دارد و این مسئله را مورد توجه قرار داده است. آنچه در آن روزگار سبب می‌شد تا مردم به حقوق پایمال‌شده خود و آزادی از بند استعمار رهایی یابند نداشتن اتحاد و همبستگی بود مسئله‌ای که سردمداران داخلی و استعمارگران از آن بیشترین بهره و استفاده را می‌بردند. در مصر دستان استعمار همواره در تلاش بود تا میان مسلمانان و قبطیان فتنه ایجاد نماید و وحدت را از میان مسلمانان از بین ببرد تا از این طریق و با گل‌آلود کردن آب به مقاصد و اهداف شوم خود دست یابد، بسیاری از قبطیان ناآگاهانه به دنبال خواسته‌های استعماری به دفاع و حمایت از انگلیس روی آوردند و با هدف دفاع از منافع خودشان بر حضور استعمارگران انگلیسی در خاک مصر تأکید کردند.

محرم در رویارویی با این شرایط و اوضاع وحدت ملی را یادآور می‌شود و به کنار گذاشتن اختلافات دعوت می‌نماید. محرم مصر را حرم الهی معرفی می‌کند که بر گردن مصریان چه مسلمان و چه قبطیان به‌طور مساوی حق و حقوقی دارد و از آن‌ها می‌خواهد تا به وطن خود وفادار بمانند و هر کس از آن رویگردان شود درواقع مستحق عاق والدین شده است و به وطن خود خیانت کرده است، وی در قصیده‌ای تحت عنوان «مصر فی حرم الله» این گونه می‌سراید:

مَرْحَبًا لِإِخَاءِ فِي حَرَمِ اللَّهِ وَ أَهْلًا بِقَوْمِنَا الصَّالِحِينَ
حَى آلِ الْمَسِيحِ يَا بَيْتَ وَأَقْضِ الْحَقَّ عَنْ آلِ (أَحْمَدَ) أَجْمَعِينَ
اَكْتَبَ الْعَهْدَ بَيْنَنَا وَ اجْعَلِ الْمُصْحَفَ خَيْرَ الشُّهُودِ فِيهِمْ وَ فِينَا
حَسْبُنَا اللَّهُ لَا نُرِيدُ سِوَاهُ مِنْ كَفِيلٍ وَ لَا نُرِيدُ ضَمِينَا

(محرم، ۱۹۸۴: ۱/۳۷۶)

-دروود بر برادری و اخوت در حرم الهی و درود بر مردم درستکار سرزمینمان!
-ای خانه به خاندان مسیح درود فرست و حق همه خاندان «محمد» را به‌جای بیاور.
-عهد و پیمان را میان‌مان بنویس و قرآن را به‌عنوان بهترین شاهد میان‌مان قرار بده.
-تنها خدا برایمان کافی است و به کسی جز او به‌عنوان مدافع و پشتیبان نیاز نداریم.

محرم برای ایجاد همبستگی میان اقشار مختلف مصر آنان را به دین‌داری دعوت می‌کند و عقاید دینی را به آنان یادآور می‌شود، اعتقادات مشترکی که در میان تمام ادیان رواج دارد و می‌تواند عامل مهمی در ایجاد اتحاد و همبستگی به شمار آید، وی از حرمت مصر سخن به میان می‌آورد که بالاترین حرمت‌هاست و رعایت آن بر هر هم‌وطنی واجب است و سزاوار نیست که امیدها و آرزوهای این سرزمین نادیده گرفته شود، در این شرایط سخت و ناگوار، احمد محرم، مردم را به برادری دعوت می‌کند چراکه هیچ چیز بمانند آن نمی‌تواند سبب اتحاد و مقاومت در برابر سختی‌ها و مشکلات شود؛ وی در این باره این گونه می‌سراید:

يَا أُمَّةَ الْإِنجِيلِ آمَنَّا بِهِ مَا بِالنَّبِيِّ وَلَا يَسُوعُ جُحُودٌ
 الدِّينُ فِي أَمْرِ وَنَهْيٍ وَاحِدٌ وَاللَّهُ جَدَّ جَلَالُهُ الْمَعْبُودُ
 بِرَأٍ بِمِصْرَ، وَمِصْرُ أَعْظَمُ حُرْمَةً مِنْ أَنْ يَضِيعَ رَجَاؤُهَا الْمَنْشُودُ
 شَدُّوا الْقُلُوبَ عَلَى الْإِخَاءِ فَإِنَّهَا مِصْرٌ وَإِنْ بَلَاءُهَا لَشَدِيدٌ
 زَعَمَ الْعِدَى إِنْ نَعَقُ بِلَادِنَا زَعَمَ لَعْمَرِ الْأَمْتِينَ بَعِيدٌ

(محرم، ۱۹۸۴: ج ۲، ص ۱۲۰-۱۲۳)

ای امت انجیل به او ایمان آوردیم. نه پیامبر اسلام و نه عیسی مسیح را انکار نمی‌کنیم.
 -دین در مسئله امر و نهی یکی است و خداوند تعالی، معبود و پروردگار است.
 -در حق مصر نیکی کنید، حرمت مصر بیش از آن است که امید مورد هدفش تباه و نابود شود.
 -دل‌ها را برای برادری یکی کنید. (بدانید) که این همان مصر است که در بلا و سختی شدیدی گرفتار است.
 -دشمنان گمان کردند که ما سرزمینمان را رها می‌کنیم. سوگند می‌خورم که این گمانی دور و دست‌نیافتنی است.
 محرم از هر فرصتی برای دعوت به همبستگی و وحدت کلمه میان افراد ملت و کنار گذاشتن اختلافات بهره می‌برد، وی در بیش از هفت قصیده از دیوان اشعارش این موضوع را مورد توجه قرار داده است و بسیاری از اشعار خود را برای خاموش کردن فتنه‌های دشمنان در به هم زدن وحدت و همبستگی ملت مصر اختصاص می‌دهد. محرم از دور و نزدیک به مسئله‌ی ترور «پترس غالی» در ۲۰ فوریه سال ۱۹۱۰ م اشاره می‌کند و از آن به‌عنوان سبب و عامل گسترش و افزایش اختلافات میان مسلمانان و قبطیان یاد می‌کند. در این شرایط حزب ملی مصر «پترس غالی» را خیانتکار به وطن معرفی می‌کند اما روزنامه‌های قبطی به همراه تعداد بیشماری از قبطیان معتقد بودند که وی تنها با انگیزه‌ی تعصب دینی به قتل رسانده شده است. (محمدحسین، ۱۳۸۲ هـ ق، ج ۱، ص ۱۱۵)

محرم بر آنانی که از روی سفاهت و بی‌خردی دشمنی می‌ورزند تأسف می‌خورد، آن‌ها که می‌دانند که رستگاری و پیروزی ملت مصر در دوستی و اتحاد و همبستگی است، به دشمنی و تفرقه‌ای دامن می‌زنند و مشروعیت می‌بخشند که نه دین مسیح به آن سفارش کرده است و نه دین اسلام؛ و استعمارگرانی که تا دیروز چون روباهی ترسو در برابر ملت شجاع و دلیر مصر بودند، امروز در اثر گسترش فتنه و اختلاف میان قشرهای مختلف جامعه مصر به قدرتی تبدیل شده است؛

إِيه يَا بَنِي مِصْرَ أَمَا وَعَظَمْتُمْ مَا تَصْنَعُ الْأَحْدَاثُ وَالْأَيَّامُ
 إِيه فَقَدْ طَمَتِ الْخَطُوبُ وَهَالَنَا فِيهَا رِكَامٌ يَعْتَلِيهِ رِكَامُ
 سَوْسُوا أُمُورَكُمْ سِيَاسَةً حَازِمٌ فَعَلَلْ مَعْوَجَ الْأُمُورِ يَقَامُ

(محرم، ۱۹۸۴: ج ۱، ص ۱۶۶ و ۱۶۷)

ای مردم مصر! آیا شما را به پند گرفتن از حوادث روزگار و ایام آگاهی ندادم؟
 آری سختی‌ها و گرفتاری‌ها شدیدتر شد و در توده‌ای از گرفتاری‌ها و مشکلات گرفتار آمدیم.
 با سیاستی مدبرانه کارهای خود را اداره کنید، چه بسا که کژی‌ها و ناراستی‌ها به راستی گرایند!

۳. نتیجه پژوهش

نتایج این پژوهش را می‌توان در چند محور خلاصه نمود؛

- ۱- احمد محرم تمام زندگی خود را وقف آزادی و وطن نمود و در تمام عرصه‌های سیاسی و اجتماعی حضور داشته و برای حل معضلات ملت و وطن خود تلاش کرد، چراکه مفهوم وطن در دیدگاه این شاعر از چنان اهمیتی برخوردار بوده که وی را بر آن داشت تا تمام قطعات شعری خود را در راه دفاع از وطن و ارزش‌های آن بکار گیرد.
- ۲- وطن در دوره‌ی معاصر و در اشعار این شاعر مفهوم جدیدی می‌یابد به گونه‌ای که با خواندن این اشعار، هر آزادمرد آزاداندیشی دفاع از وطن را وظیفه‌ی خود می‌داند. از دیدگاه محرم، وطن تنها یک محیط برای زیستن و نفس کشیدن نیست بلکه وطن عضوی از وجود یا تمام وجود آدمی است که بدون آن انسان مفهوم و ماهیت خود را از دست می‌دهد لذا هر انسان آزاده‌ای باید برای حفظ استقلال و آزادی وطن خود از آنچه در توان دارد بگذرد، به همین جهت محرم تمام قوای خود را بکار بست تا مفهوم جدید وطن را که تا آن روز برای ملتش ناشناخته بود به آن‌ها بفهماند و لذا تا آخرین لحظات زندگانی خود از عشق به میهن و وطن دم زد.
- ۳- علاوه بر وطن مسائلی دیگر از سوی این شاعر پیرامون وطن مورد توجه قرار گرفته است مسائلی همچون توجه به مفاخر ملی، مبارزه با استبداد، توجه به حال فقرا و ستمدیدگان و... که هدف شاعر از آوردن این مسائل وطن‌خواهی و دفاع از آزادی وطن بوده است.

منابع و مآخذ :

- باشا، محمد رفعت (بی تاریخ)؛ تاریخ مصر سیاسی، القاهرة، کتاب الهلال، د.ط.
- الجیزاوی، سعدالدین (۱۹۶۴ م) العامل الديني في الشعر المصري الحديث، القاهرة: المجلس الأعلى لرعاية الفنون.
- الحصری، ساطع (بی تاریخ) محاضرات في نشوء الفكر القومي، د.ط.
- الدسوقي، عمر (۲۰۰۳ م) في الأدب الحديث، ط ۱، القاهرة، دارالفکر.
- الزیات، أحمد حسن (۲۰۰۵ م) تاریخ العربی للمدارس الثانویة والعلیاء، ط ۹، بیروت، دارالمعرفة .
- ستودارد، لوتروپ (۱۳۲۰) عالم نو اسلام یا امروز مسلمین. مترجم: سید احمد مهذب، تهران، چاپخانه شرکت طبع کتاب.
- السید، احمد لطفی (بی تاریخ) صفحات مطویة من تاریخ الحركة الاستقلالیة فی مصر، مطبعة مصر، د.ط.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۷). ادوار شعر فارسی. تهران: سخن.
- عوض، لويس؛ (۱۹۶۹ م). تاریخ الفكر المصري الحديث، کتاب الهلال، د.ط.
- قبش، أحمد (بی تاریخ) تاریخ الشعر العربی الحديث، بیروت، دارالجيل.
- کحالة، عمر رضا (۱۹۵۷ م) معجم المؤلفين، دمشق، مطبعة الترقی .
- لیب رزق، د.یونان؛ (۱۹۸۴ م) الأحزاب السياسية في مصر ۱۹۰۷-۱۹۸۴ م، کتاب الهلال، د.ط.
- محرم، أحمد (۱۹۸۴ م) دیوان محرم السياسيات، الكويت، دار النشر: مكتبة الفلاح.
- محمد حسین، محمد (۱۳۸۲ هـ ق)، الاتجاهات الوطنيّة في الأدب المعاصر، المطبعة النموذجية، ط ۲.
- نجاتی، غلامرضا (۱۳۵۱) جنبش‌های ملی مصر از محمدعلی تا جمال عبدالناصر، تهران، سهامی انتشار.

مقالات :

- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۵۲). تلقی قدما از وطن. نشریه‌ی الفبا، دوره اول، ج ۲، صص ۱-۲۶.